

# تحقیقی درباره قضیه تصدیق و رابطه بین آنها

دکتر حسن ملکشاهی  
گروه فلسفه و حکمت اسلامی

یک قضیه :

در کتب منطق در دو مبحث راجع به قضیه بحث کرده‌اند یکی در مبحث الفاظ و دیگری در مبحث قضا یا .

در مبحث الفاظ ابتدا لفظ را به مفرد و مرکب، و سپس لفظ مرکب را به تام و ناقص تقسیم می‌کنند. بعد مرکب تام را به خبری و انشائی، و مرکب ناقص را به تقيیدی و غیر تقيیدی قسمت می‌نمایند. طرح صفحه بعد نشان دهنده تقسیمات فوق است.

با توجه به تقسیمات مزبور، لفظ مرکب تام خبری همان است که در مبحث قضا یا تحت عنوان‌های «قضیه»، «قول جازم»، «خبر»، «حکم»، «اخبار»، و بقولی «تصدیق» مورد بحث واقع شده است.

خواجه نصیر طوسی در توضیح عنوان‌های فوق می‌گوید: اطلاق «قول جازم» به این اعتبار است که قول مشتمل بر تصدیقی است که بطور قطع متعلق به یکی از دو طرف نقیص است، و اطلاق (خبر) از این لحاظ است که ذاتا مستلزم صدق و یا کذب می‌باشد، و اصطلاح «قضیه» به اعتبار اقتضاء جزم به اثبات

		مفرد	
خبری			لفظ
انشائی	تام	مرکب (مؤلف)	
تقییدی			
	ناقص		
غیر تقییدی			

یا نفی است (۱) .

در کشف اصطلاحات الفنون برخی از عناوین بالا چنین توجیه شده است :  
 قضیه، باعتبار اشمال بر حکم است .  
 خبر، از حیث احتمال صدق و کذب است .  
 اخبار، به لحاظ افاده حکم است .  
 مقدمه، به اعتبار اینکه جزء دلیل است (۲) .  
 همچنین صاحب کشف به نقل از شرح مطالع، قضیه را با تصدیق مترادف دانسته است (۳) .

تعریف قضیه :

ارسطو که از اصطلاحات فوق فقط «قول جازم» را بکار برده است ،  
 در تعریف آن می گوید: قول جازم قولی است که واجد صدق و کذب است .  
 اقوالی که چنین شرطی ندارند از نظر ارسطو ، «قول جازم» بشمار نمی آیند (۴) .

۱- اساس الاقتباس، ص ۶۶، تهران ۱۳۳۶ .

۲- کشف اصطلاحات الفنون، ج ۲، ص ۴۱۳ .

۳- همان ماخذ، ص ۱۲۳۵ .

در مبحث الفاظ ابتدا لفظ را به مفرد و مرکب، و سپس لفظ مرکب را  
 ۴- منطق ارسطو، به تصحیح عبدالرحمن بدوی، جزء اول، ص ۶۳، مصر  
 ۱۹۴۸ .

ابن سینا برای عنوانهای: ترکیب خبری، قضیه، قول جازم و خبر تعریفات مشابهی کرده است، مثلاً در کتاب شفا هر آنچه را که صادق یا کاذب باشد قول جازم دانسته است (۵). در اشارات نیز میگوید: ترکیب خبری آنست که به گوینده درباره آنچه گفته است، میتوان گفت راستگو است و یا دروغگو (۶). همچنین در کتاب نجات می نویسد: قضیه و خبر قولی است که در آن نسبتی بین دو چیز برقرار گردد بنحوی که حکمی راست یا دروغ در پی آن باشد (۷). و نیز در منطق المشرقیین و دانشنامه علائی، قول جازم را گفتاری می داند که با دلالت اولی مناسب صدق و کذب باشد، و اقوال امری و دعائی و غیره را که ممکن است بالعرض و با دلالت ثانوی مناسب صدق و کذب باشند، قول جازم محسوب نکرده است (۸).

امام محمد غزالی نیز که اصطلاحات خبر و قول جازم و قضیه را یکی می داند همان نظر ابن سینا را (در منطق المشرقیین و دانشنامه علائی) تکرار کرده است (۹).

خواجه نصیر طوسی، قول جازم را گفتاری مشتمل بر اثبات یا نفی امری دانسته و میگوید خاصیت خبر آن است که بالذات قابل تصدیق و تکذیب باشد، و استفهام و دعا و غیره چون بالذات قابل تصدیق و یا تکذیب نیستند - بلکه پس از تاویل به خبر و بعبارت دیگر بالعرض واجد چنین صفتی خواهند شد - قول جازم محسوب نمی شود. (۱۰)

قطب الدین شیرازی نیز در قسمت منطق درة التاج، قضیه را عبارت از قولی معقول یا مسموع می داند که بحقیقت بتوان بر آن صادق یا کاذب اطلاق کرد.

۵- ابن سینا، شفا، منطق (۳، العبارة) ص ۳۲، قصیده مزدوجه ضمیمه

منطق المشرقیین، ص ۷.

۶- اشارات، ص ۱۵، چاپ دانشگاه تهران.

۷- نجات، ص ۲، مصر ۱۳۵۷ ق.

۸- منطق المشرقیین، ص ۶۰، مصر ۱۳۲۸ ق. دانشنامه علائی، ص ۱۸

و ۱۹، تهران ۱۳۱۵.

۹- مقاصد الفلاسفه، ص ۱۹ و ۲۰ مصر ۱۳۳۱ ق. معیار العلم، ص ۶۳،

مصر ۱۳۲۹ ق.

۱۰- اساس الاقتباس، ص ۶۳ و ۶۴، جوهر النضید، ص ۳۰ و ۳۱،

تهران ۱۳۱۱ ق.

بعبارت دیگر قضیه قولی است که بالذات صدق و کذب عارض آن گردد (۱۱). لازم بیادآوری است که قول جازم اعم از ملفوظ و معقول است چنانکه قطب‌الدین شیرازی به آن اشاره کرده و در کشف اصطلاحات الفنون نیز ذکر شده است (۱۲). باینحال با توجه باینکه ارسطو و ابن‌سینا و برخی دیگر، قضیه‌را، «قول» دانسته‌اند و ابن‌سینا «قول» را «لفظ مرکب» خوانده است (۱۳) معلوم میشود که منظور علمای منطق از قضیه، گفتاری لفظی است.

از مطالب فوق نتایج زیر بدست می‌آید :

- ۱- قضیه عبارت از قول مؤلف یا مرکب است .
- ۲- که در آن، نسبت امری، به امری دیگر به سلب یا ایجاب بیان می‌شود.
- ۳- قضیه بالذات وبا دلالت اولیه پذیرنده صدق یا کذب است، یعنی نسبتی که در قضیه بیان شده است در خارج ما بازائی دارد و اگر آنچه در قضیه آمده با آنچه که در خارج است مطابق باشد، قضیه صادق است و گرنه کاذب .
- ۴- مرکب ناقص تقيیدی، مانند «ماشین زمان‌نما» در تعریف ساعت، قضیه نیست، زیرا در آن امری به امری دیگر نسبت داده نشده است، و بگفته ابن‌سینا بجای آن لفظی مفرد میتواند بکار رود.
- ۵- مرکب تام انشائی از قبیل استفهام، دعا، قسم، ندا، امر و نهی ، تعجب، تمنی، ترجی، صیغه‌های عقود و ایقاعات چون مابازائی در خارج ندارند و نمیتوانند بالذات محتمل صدق و کذب باشند - مگر با تاویل و بالعرض و با دلالت ثانوی - از تعریف قضیه خارج‌اند.

دو - تصدیق :

منطقیان، علم و ادراک را از يك نظر به حضوری و حصولی تقسیم کرده و حصولی را به تصور و تصدیق منقسم دانسته‌اند (۱۴). چنانکه از اکثر کتب منطقی مقدماتی چون ابن‌سینا و پیروانش برمی‌آید،

۱۱- درة التاج، ج ۲، ص ۵۱، تهران ۱۳۱۷ الی ۱۳۲۰.

۱۲- کشف، ج ۲، ص ۱۲۳۵، ذیل کلمه قضیه .

۱۳- نجات، ص ۱۲ .

۱۴- نجات، ص ۳، دانشنامه علائی، ج ۵، التحصیل ص ۴. اساس الاقتباس،

ص ۳ و ۴. بصائر، ص ۵، مصر ۱۳۱۶ ق. منطق التلویحات، ص ۱، تهران

۱۳۳۴، درة التاج، بخش منطق، ص ۲.

تصدیق را به ادراک نسبت بین دو امر و اعتقاد به آن تعریف کرده‌اند (۱۵).  
بر اساس این تعریف، تصدیق بردورکن اساسی زیر مبتنی است و بدون  
آنها منتفی می‌باشد،

۱- نسبت میان دو امر

۲- اعتقاد به آن

از این نکته می‌توان نتیجه گرفت نظر کسانی که تصدیق را به حکم یا نسبت  
حکمی تعبیر کرده‌اند (۱۶) نادرست است مگر به اعتبار اینکه حکم لازمه  
تصدیق است و مجازا لازم و ملزوم به یکدیگر اطلاق میشوند. صاحب‌دره‌التاج  
ضمن اشاره به این مطلب می‌گوید: برخی از متأخرین تصور کرده‌اند که تصدیق  
همان حکم است ولی این خطا است زیرا تصدیق که از اقسام علم تجدیدی  
است امری انفعالی می‌باشد و بهمین جهت ابن‌سینا نیز در دانشنامه آن را به‌گرویدن  
تعبیر کرده است (۱۷)، در صورتیکه حکم که عبارت از ایقاع نسبت ایجابی  
یا سلبی می‌باشد امری فعلی است، بنابراین حقیقه هیچیک از آنها بردیگری  
صدق نمی‌کند مگر به مجاز (۱۸).

چنانکه اشاره شد علمای منطق، تصدیق را به اعتقاد و اذعان به نسبت  
تفسیر کرده‌اند. لازم به تذکر است که اعتقاد و اذعان در معنای وسیع بکار می‌رود  
و فقط شامل یقین نمی‌گردد. خلاصه نظر این دانشمندان را ملاحظه در کتاب  
اللمعات المشرقیه بیان کرده و تصدیق را به اعتقاد راجح تعبیر نموده است که شامل  
یقین و جهل مرکب و ظن صادق و ظن کاذب نیز می‌گردد، با توضیح اینکه  
اعتقاد راجح یا جزمی است یا غیر جزمی. جزمی یا مطابق با واقع است که در  
این صورت یقین محسوب می‌گردد و یا مطابق با واقع نیست که جهل مرکب  
می‌باشد، غیر جزمی ظنی است که یا صادق می‌باشد و یا کاذب (۱۹).

ابن‌سینا در آغاز اشارات (۲۰) تصدیق را علمی و ظنی و تسلیمی و وضعی دانسته  
است و از بیان او بخوبی معلوم می‌شود که اعتقاد را اعم از یقین می‌شمارد.

۱۵- دره‌التاج، ص ۲ و ۴، به نقل از موجز کبیر ابن‌سینا.

۱۶- کشف، ج ۱، ص ۳۷۱.

۱۷- دانشنامه علائی، ص ۳ و ۴.

۱۸- دره‌التاج، بخش منطق، ص ۴.

۱۹- منطق‌نویین اللمعات المشرقیه، ص ۳. ۱۵- دره‌التاج، ص ۲ و ۴،  
به نقل از موجز کبیر ابن‌سینا.

۲۰- اشارات، ص ۱.

براساس تعریف تصدیق به اعتقاد به نسبت میان دو امر هر یک از موارد زیر که یا در آنها نسبتی نیست و یا نسبتشان مورد اعتقاد نمی باشد، از اقسام تصدیق خارجند و از انواع تصور محسوب میگردند:

- ۱- ادراك يك امر فاقد نسبت مثل ادراك كتاب .
- ۲- ادراك چند امر فاقد نسبت مانند ادراك كتاب و ميز و گلدان.
- ۳- ادراك چند چیز یا وجود نسبت ناتمام مانند خانه علی.
- ۴- ادراك چند چیز با وجود نسبت تام، اما غیر خبری مانند جمله های انشائی .
- ۵- تصورات خبری و قضیائی که فاقد اعتقاد به نسبت اند و شامل موارد زیر میگردند:

الف- امور خیال انگیز

ب- امور وهمی

ج- امور کاذب

د- امور مشکوک

### سه - رابطه قضیه و تصدیق :

منظور از این بحث روشن کردن این مطلب است که آیا هر قضیه ای تصدیق است یا نه؟ و در این صورت چه نسبتی میان آنها برقرار است. برخلاف آنچه بعضی گمان کرده اند تصدیق با قضیه و خبر (یعنی سخنی که بتوان آن را قبول یا انکار کرد، قول یحتمل الصدق والكذب) بیک معنی نیست بلکه خبر ممکن است بمرحله تصدیق برسد و ممکن است با داشتن تصورات سه گانه (موضوع و محمول و نسبت) تصویری بی تصدیق باشد. عبارت دیگر قضیه و خبر در حقیقت متعلق بتصدیق است بدین معنی که گاه خبر متعلق اذعان و اعتقاد واقع میشود که در این صورت يك چیز هم تصدیق است و هم خبر، و گاه قضیه بدون اذعان و اعتقاد به نسبت است که در این صورت با وجود تصورات سه گانه، قضیه از تصدیق جدا شده و خبر بدون تصدیق تحقق می یابد. پس میتوان گفت که کاربرد قضیه وسیع تر از کاربرد تصدیق است (۲۱).

با توجه به تعریف قضیه و تصدیق و ارکان آنها روشن میشود خبری که تصدیق و اذعان به آن تعلق گرفته است قضیه محسوب میگردد، ولی برعکس

۲۱- برای توضیح بیشتر رجوع شود به شفا، باب برهان، و نیز فصل سوم

از مقاله اول مدخل شفاء .

آن درست نیست یعنی چه بسا قضایائی هستند که جزء تصدیق نمی باشند بنابراین نسبت میان تصدیق و قضیه عام و خاص مطلق است. از طرف دیگر يك قضیه ممکن است برای دو شخص در يك زمان و یا يك شخص در دو زمان ، تصور یا تصدیق باشد .

در توضیح بیشتر مطالب فوق باید گفت خبری که دارای موضوع و محمول و نسبت کامل باشد از هشت قسم بیرون نیست که چهار قسم آن تصدیق و چهار قسم دیگر تصور محسوب میگردد .  
اقسام خبری که جزء تصور است عبارتند از :

۱- خبر تخیلی : یعنی سخنی که برای تشویق یا تنفر شنونده اظهار شود و این خبر مخالف حکم عقل در او تاثیر نماید. مثلا برای اینکه شنونده را از خوردن عسل بازداریم گوئیم عسل تلخ و ناگوار است .

۲- خبر شکی : یعنی حکمی که شنونده هیچیک از دو طرف نسبت ثبوتی یا سلبی را ترجیح نمیدهد و برای او وقوع نسبت وعدم آن مساوی است . روشن است که وقتی هیچیک از دو طرف نسبت بردیگری رجحان نداشته باشد اعتقاد و اذعان به آن نسبت نیز نخواهد بود .

۳- خبر وهمی : یعنی حکمی که وقوع خلاف آن برای شنونده رجحان داشته باشد. مثلا اگر گفته شود علی رفته است، شنونده احتمال بیشتر بدهد که علی نرفته باشد و احتمال ضعیفی هم بدهد که رفته باشد، آن احتمال ضعیف را وهم گویند. چنین خبری با در برداشتن تصور موضوع و محمول و نسبت از جهت اینکه مشتمل بر اذعان و اعتقاد نیست تصور محسوب میشود .

۴- خبر کذبی : یعنی خبری که شنونده یقین دارد خلاف آن نسبت واقع شده است. با اینکه چنین حکمی دارای تصورات سه گانه است ولی از جهت آنکه در تصدیق، اعتقاد و اذعان به نسبت لازم است و در این مورد اعتقاد به نسبت موجود نیست، حکم مذکور جزء تصورات خواهد بود .

اینک میپردازیم به اقسام خبری که جزء تصدیق محسوب میگردد :

۱- خبر جزمی یقینی : یعنی حکمی که شنونده به وقوع نسبتی که مطابق با واقع است یقین دارد و آن نسبت علاوه بر اینکه مطابق با واقع است تشکیک بردار هم نیست، مانند اعتقاد فیلسوف باینکه خدا یکی است .

۲- خبر جزمی تقلیدی : یعنی حکمی که شنونده به وقوع نسبتی که مطابق با واقع است یقین دارد ولی نسبت مذکور قابل تشکیک است، مانند اعتقاد مردم عادی باینکه خدا یکی است .

۳- خبر جهل مرکب: یعنی حکمی که شنونده یقین دارد که نسبتی واقع شده است و حال آنکه در خارج نسبتی نبوده است. بعبارت دیگر شنونده از نادانی خود نسبت باین نکته غافل است و یقین دارد که ادراك او مطابق با واقع می باشد.

۴- خبر ظنی: یعنی حکمی که شنونده با دودلی ترجیح میدهد که نسبتی واقع شده است ولی یقین به وقوع نسبت ندارد.

اکنون برای روشن شدن بیشتر مطلب به ذکر مواردی که متعلق بتصدیق نیستند ولی درعین حال آنها را اهل منطق از اقسام قضایا محسوب می دارند می پردازیم:

- ۱- قضایای وهمی که از مقدمات قیاسهای مغالطهای بشمار میروند.
- ۲- قضایای خیال انگیز که مقدمات قیاس شعری اند. یادآور میشود که ابن سینا تصدیق را در مورد صناعات بجز شعر جاری دانسته است (۲۲).
- ۳- قضایای کاذبه که برخی از آنها همان شبهات هستند و مقدمه قیاس مغالطهای واقع میشوند.
- ۴- قضایای مشکوک (۲۳).

اما چون در هیچیک از انواع قضایای فوق، اعتقاد راجح که در تعریف و تعبیر تصدیق گفته شده است وجود ندارد، از این جهت خارج از تصدیق اند. با توجه به مطالب بالا در مورد نسبت میان قضیه و تصدیق روشن میشود که نظر یکی از دانشمندان معاصر که موارد شمول و اطلاق آن دو را یکی می دانند نادرست است، زیرا ایشان تصدیق حقیقی را عبارت از حکم ذهن به ایجاب و سلب دانسته اند، ولی چنانکه قبلاً متذکر شدیم تصدیق عبارت است از اعتقاد راجح به نسبت سلبی یا ایجابی نه خود نسبت. همچنین در مورد اینکه قضیه را تعبیر لفظی تصدیق دانسته اند، باید گفت اگر منظور این است که هر قضیه ای مشتمل بر تصدیق است، درست نیست زیرا پیش از این روشن شد که در مواردی قضیه هست اما تصدیق نیست.

مطالب دیگری که نادرستی آن روشن میگردد یکی دانستن حکم و تصدیق است که ایشان بدان معتقدند، زیرا چنانکه گفته شد حکم لازمه تصدیق است نه خود آن و اطلاق حکم بر تصدیق جز به مجاز روا نیست.

۲۲- اشارات، ص ۱، نجات، ص ۴.

۲۳- در مورد قضایای کاذب و مشکوک که جزء تصدیقات نیستند صاحب درة التاج عبارتی از موجز کبیر ابن سینا نقل کرده است که بروشنی این مطلب از آن فهمیده میشود. رجوع شود به درة التاج، بخش منطق، ص ۲.